حادثه در شهر

نزاع بر سر پارک نامناسب

راننده خشمگین وقتی نتوانست به علت پارک بد یک خودرو در مسیرخانه اش ،وارد کوچه شود به آن حمله ور شد و به شدت به خودروی او خسارت وارد کرد. به گزارش خبرنگار مارا ننده خشمگین به علت پارک بدیک خودروو قتی نتوانست وارد کوچه محل زندگی اش شود کنترل خود را از دست داد و علاوه بر پاره کردن لاستیک های خودروی پارک شده با چاقو به بدنه آن نیز خسارت وارد کرد. این راننده که گویا پشیمان شده است در این باره می گوید: عرض کوچه محل زندگی ام کم است و اگر خودرویی بد پارک کند بقیه خودروهای عبوری با مشکل مواجه می شوند. یک روز نزدیک ظهر بود که خیلی با عجله برای کاری به خانه برگشتم، اما سر کوچه خودرویی بدپارک و ورود به کوچه را برای من غیر ممکن کرده بود و هر چقدر از همسایه ها پرس و جو کردم که خودرومتعلق به چه کسی است، هیچ کس از صاحب ماشین خبری نداشت. مدتی گذشت و هرچه تلاش کردم موفق نشدم صاحب خودرو را پیدا کنم. به شدت عصبانی شدم و کنترلم را از دست دادم و با چاقو به جان لاستیک های خودرو افتادم و هر چهار چرخش را پاره کردم و همچنین با چوب به بدنه آن آسیب رساندم. صاحب خودرو وقتی متوجه شد کار من است با هم درگیر شدیم.

نزاع در پی سوال بی جا

مردی با سوال بی موقع و بی جای خود باعث درگیری و کتک کاری بین دو نفر شد. مردی کنجکاو با سوال بی موقع خود از دو نفر که مشغول صحبت با یکدیگر بودند، باعث تحریک یکی از طرفین صحبت شد که بالا گرفتن بحث بین دو نفر به درگیری و نزاع منجر شد. به گزارش خبرنگار مایکی از طرفین نزاع و درگیری درباره علت این اتفاق گفت: من و طرف مقابلم در مورد موضوعی با یکدیگر صحبت می کردیم که یک مرد رهگذر به ما نزدیک شد و با کنجکاوی یک سوال در مورد خودم از من پرسید و من هم با ملایمت جواب وی را دادم و آن طرف با عذرخواهی، از ما دور شد و رفت. بعد از رفتن او، طرف مقابلم شروع کرد به متلک گفتن و زیر سوال بردن من.من به شدت از این رفتار او عصبانی شدم تا این که بحث ما بالا گرفت و با هم درگیر شدیم و شروع به کتک کاری همدیگر کردیم تا این که رهگذران ما را از هم جدا کردند. این درگیری باعث زخمی شدن صورت طرف مقابل و همچنین پاره شدن لباس های هر دو طرف شد. وی با پشیمانی از این اتفاق گفت: خوشحالم که به هیچ یک از ما آسیب جدی نرسید اما باید تلاش کنم آستانه تحملم را بالا ببرم تا مبادا دوباره چنین درگیری رخ دهد.

محور بجنورد- گلستان دوباره حادثه ساز شد

برخورد رخ به رخ ۲ خودرو ۴ مصدوم بر جا گذاشت

برخورد ۲ خودروی پراید در محور بجنورد-گلستان باعث مصدومیت ۴ سرنشین این ۲ خودرو شد.به گزارش خبرنگار ما محور بجنورد-گلستان همچون اغلب ایام تعطیلات شاهد تصادف رخ به رخ ۲ خودرو بود که البته خوشبختانه در این تصادف فردی در صحنه تصادف جان خودش را از دست نداد. این تصادف ساعت ۱۱ و ۱۰ دقیقه هنگام سبقت گرفتن خودروی پراید مدل ۱۳۱ و در محدوده ۵ کیلومتری شهر آشخانه رخ داد. کارشناسان پلیس راه استان انحراف به چپ خودروی پراید مدل ۱۳۱ را علت این حادثه تشخیص دادند. با گذشت حدودیک سال از سفر هیئت دولت به خراسان شمالی و قرار گرفتن پروژه چهار بانده کردن محور بجنورد-گلستان در نخستین اولویت مصوبات سفر ریاست جمهوری به استان اما تنها ۱۰ کیلومتر از این پروژه ۱۲۰ کیلومتری به بهره برداری رسیده است .

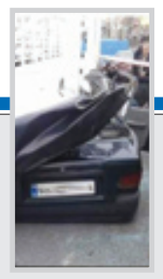

گفت و گو با مردی که قدر زندگی دوباره را ندانست

بازگشت به اعماق تباهی

صدیقی- به زمین زل زده و نگاه و حواسش را به مورچه ای دوخته است که با تلاش و استقامت دانه ای را روی زمین ناهموار به سوی لانه اش می کشد، گویا به خودش فکر می کند که به اندازه این مورچه زحمت برای زندگی خود و خانواده اش نکشیده و آسانترین راه و البته راه غیر قانونی را برای خود انتخاب کرده است.

به گفته خودش از فرصت و آزادی که با دادن تاوان دوران جوانی اش پشت میله های زندان یک بار به دست آورده بود استفاده نکرد و دوباره راه خطا و گمراهی را در پیش گرفت و در تاریکی، اسیر طمع شد تا دوباره با دادن تاوانی دیگر از عمر و روزهای با ارزش زندگی خود بتواند در روشنایی قدم بگذارد و خطاهایش را تا حد ممکن جبران کند. مردی که عمری را در زندان سپری کرده و موهایش از سیاهی به سفیدی گراییده است درباره روزگار و اشتباهات ویرانگر خود می گوید: زندگی ساده ای در روستا داشتیم، هر چند در تنگنا و سختی به سر می بردیم اما شب ها را با خیالی آسوده و آرام به صبح می رساندیم. پدرم یک کشاورز بود البته در واقع اسمش کشاورز بود، از تکه زمینی که بیشتر ضرر داشت تا منفعت، چیز زیادی عایدمان نمی شد . اکثر مواقع برای مردم کارگری می کردیم. هر چند سخت بود، ولی وجدان مان آسوده و آرام بود. روزها پی در پی به سختی می گذشت و من تا مقطع ابتدایی بیشتر نتوانستم درس بخوانم و ترک تحصیل کردم.

بزرگتر که شدم با چند نفر از دوستانم برای کار کردن به تهران رفتم تا کمی پول برای آینده ام پس انداز کنم، اما وقتی وضعیت حاد خانواده را دیدم همه را خرج آن ها کردم . مدتی گذشت و وقت زن گرفتن من شد و پدرم با تمام مشکلاتی که داشت برای من آستین بالا زد، دختریکی از فامیل را برای من خواستگاری کرد و به عقد هم درآمدیم. بعد از مدتی کار در شهرهای مختلف مبلغی را پس انداز کردم و با آن مراسم عروسی ام را برگزار کردم و زندگی مستقلی را تشکیل دادم. چند سالی در خانه پدرم زندگی کردم و به علت نداشتن کار مجبور شدم به شهر نقل مکان تا کاری برای خودم دست و پا کنم. مدتی بیکار بودم تا این که از طریق چند نفر از دوستانم که کار ساختمانی انجام می دادند، مشغول به کار شدم.

دوستانم به طور تفننی مواد مصرف می کردند و گهگاهی من هم به آن ها ملحق می شدم و کمی مواد مصرف می کردم و در اصطلاح چند دود می گرفتم و فکر می کردم از این طریق کمی خستگی از تنم بیرون می رود.

چند وقتی گذشت تا این که دوباره کار ساختمانی کساد شد و بیکار شدم. از طرفی معتاد و مستاجر بودم و نمی توانستم بیکار باشم،تا این که روزی با یکی از قاچاقچیان مواد آشنا شدم . وقتی دید من از دست بیکاری و بی پولی به تنگ آمده ام، پیشنهاد داد با او کار کنم تا با پولی که به دست می آورم زندگی خودم را از این بن بست خارج کنم. چند باری با او مواد جابه جا کردم و در این مدت با چند تبعه خارجی یکی از کشورهای همسایه آشنا شدم که آن ها هم در این زمینه فعالیت داشتند.

تصمیم گرفتم با آن ها کار کنم. چندین مرتبه، مواد مخدر را از یکی از شهرهای شرقی کشور به یکی از کشورهای همسایه قاچاق کردیم و مشکلی پیش نیامد. تا این که روزی مقدار زیادی هروئین خریداری و داخل ساک جاسازی کردیم و مسئولیت حمل و رساندن آن با سه تبعه خارجی بود تا آن را به شخص مورد نظر در یکی از کشورهای همسایه برسانند.

بعد از جاسازی مواد در یک ساک آن سه تبعه سوار اتوبوس شدند و به سمت مرز و کشور مورد نظر حرکت کردند و من هم به شهر خودم برگشتم و شب خوابیدم .صبح روز بعد، وقتی که خواب بودم توسط پلیس دستگیر شدم و بعد از آن متوجه شدم آن سه تبعه خارجی هنگام خروج از کشور، در ایست و بازرسی دستگیر شده اند. اوایل به خاطر جابه جایی مقدار زیادی هروئین به اعدام محکوم شدم ولی بعد از گذراندن۵سال ازمحکومیتم، حکم اعدام من به ابد تقلیل یافت و بعد از گذشت چند سال از دوران محکومیتم به خاطر متنبه شدن به بند باز منتقل شدم و بقیه دوران محکومیتم را سپری کردم . در این مدت خانواده ام هیچ وقت به من سر نزدند و به طور کلی من را فراموش کردند.۱۵ سال از محکومیتم گذشت تا این که آزاد شدم.

> **روزی مقدار زیادی هروئین خریداری و داخل ساک جاسازی کردیم و مسئولیت حمل و رساندن آن با سه تبعه خارجی بود تا آن را به شخص مورد نظر در یکی از کشورهای همسایه برسانند**

بعد از آزادی هیچ جایی غیر از خانه پدرم نداشتم و مجبور شدم مدتی کنار او زندگی کنم، خانواده ام حاضر نشدند با من زندگی کنند و حتی من را ببینند، مجبور شدم دوباره به شهر برگردم تا کاری برای خودم دست و پا کنم اما بی فایده بود و در واقع کار مورد دلخواهم را نتوانستم پیدا کنم ،تا این که دوباره وسوسه شدم کار قاچاق مواد مخدر را از سر بگیرم. حدود ۵سال از آزادی من می گذشت تا این که این بار با مقداری مواد مخدر از نوع شیشه دستگیر شدم و به ۱۲ سال حبس محکوم شدم. این بار با خودم عهد بستم که به خاطر فرزندانم بعد از آزادی در راه درست و حق قدم بگذارم و دست از این کار که جز تباهی و گمراهی چیزی به همراه ندارد بردارم و لااقل دوران پایان زندگی ام را با عزت سپری کنم.

عبرت

ازدواج سیاه

آخر چقدر بدبختی و آوارگی باید بکشم ، این چه سرنوشتی است که قسمت من شده است. البته هر چه می کشم از دست پدرم می کشم که غیر از نشئه گی به فکر کسی نیست.دختر بی پناه، درباره زندگی اش می گوید: از زمانی که یادم می آید غیر از کتک و تحقیر از سوی پدرم خاطره ای در ذهنم نیست. او معتاد و پرخاشگر بود و اگر کوچکترین کوتاهی در مورد درخواست های او می کردم به شدت من را کتک می زد تا جایی که بیهوش می شدم. بیچاره مادرم جرأت اعتراض کردن و نظر دادن نداشت و مدام در خانه های مردم کار می کرد تا کمی پول به دست بیاورد و امور زندگی مان را بچرخاند. پدرم اکثر مواقع بیکار و خمار بود و در گوشه ای از خانه، بساط مواد را پهن می کرد و با دوستانش مواد مصرف می کردند. توان رفتن به مدرسه را به علت فقر و نکبتی که پدرم برای ما به ارمغان آورده بود نداشتم و گاهی اوقات به همراه مادرم در خانه های مردم کار می کردم تا مبلغی بیشتر نصیب پدرم شود و مواد زیادتری به بدنش تزریق کند. روزی پدرم من را صدا زد و گفت: امروز نمی خواهد سر کار بروی در خانه بمان چون با تو کار دارم. من هم کنجکاو شدم و در خانه منتظر ماندم. تا این که ظهر شد و پیرمردی وارد خانه شد و پدرم از من خواست به آن ها ملحق شوم تا در مورد مطلبی با من صحبت کنند. وقتی پیش آن ها رفتم پدرم رو به من کرد و گفت: این مرد از تو خواستگاری کرده است، من هم موافق این ازدواج هستم و از تو می خواهم عاقل باشی و مخالفت نکنی، چون من خیر و صلاح تو را می خواهم. وقتی این حرف را شنیدم زدم زیر گریه و گفتم: چطور می توانم با مردی که سنش حتی از سن پدرم بیشتر است ازدواج کنم. اما پدرم عصبانی شد و من را به باد کتک گرفت و گفت: باید هر طوری که شده با این مرد ازدواج کنی، چون از او مقدار زیادی پول گرفته ام تا مادرت را از کلفتی و کار کردن در خانه های مردم نجات دهم. وقتی صحبت از مادرم شد به خاطر او به ناچار قبول کردم و سر سفره عقد نشستم و به عقد پیرمرد درآمدم. از آن روز به بعد روز من که سیاه بود سیاه تر شد و تا مدتی هر روز علاوه بر پدرم از دست شوهرم نیز کتک می خوردم تا این که دیگر جانم به لبم آمد، از دست آن ها شکایت کردم و درخواست طلاق دادم تا خودم را از شر این دو نفر خلاص کنم.

آگهی مزایده اموال غیر منقول (اسناد رهنی)

آگهی مزایده اموال غیرمنقول (اسناد رهنی) کلاسه اجرائی ۹۳۰۰۶۹ به موجب پرونده اجرائی کلاسه ۹۳۰۰۶۹ ششدانگ پلاک شماره ۷ فرعی از ۸۷ اصلی واقع در کلاته شهریاری بخش ۷ بجنورد به مساحت ۸۶۹۴ مترمربع به آدرس: گرمه - حاشیه بلوار امام رضا(ع)- مقابل قلعه جلال الدین - پمپ بنزین شرکت چشمه دشت گرمه که سند دو دانگ مشاع از ششدانگ ذیل ثبت ۷۴۰۳ دفتر ۴۴ صفحه ۱۳ بنام ابراهیم قلی زاده فرزند عباسعلی به ش ش ۹۲۰ و سند دو دانگ مشاع دیگر ذیل ثبت ۱۰۱۴۲ دفتر ۶۴ صفحه ۳۱۵ بنام منصور قلی زاده فرزند عباسعلی به ش ش ۸۱۴۰ و دو دانگ مشاع دیگر ذیل ثبت ۱۰۱۴۱ صفحه ۳۱۲ دفتر ۶۴ بنام ناصر قلیزاده فرزند عباسعلی به ش ش ۹۵۱ ثبت و صادر گردیده است. محدود به حدود: شمالاً: به طول ۵۰ متر به حریم جاده جاجرم گرمه (بلوار امام رضا) شرقاً: در سه قسمت به طور شکسته اول به طول ۵۰/۱۰ متر دیواریست دوم به طول ۲۴ متر دیواریست به زمین ابراهیم خلیلی باقیمانده ۸۷ اصلی سوم به طول ۹۹ متر دیواریست به زمین عباس بیژن باقیمانده ۸۷ اصلی. جنوباً: به طول ۷۶ متر پی دیواریست به حریم کال و قنات کلاته باقر. غرباً: به طول ۱۲۰/۱۰ متر دیواریست به کوچه شش متری. مجموع ششدانگ طبق سند رهنی شماره ۴۳۹۰-۹۰/۸/۲۱ دفترخانه ۲ گرمه در قبال مبلغ سه میلیارد و یکصد و شصت و یک میلیون و هفتصد و شصت و نه هزار و دویست و چهل و هشت ریال (۳/۱۶۱/۷۶۹/۲۴۸ ریال) به انضمام سایر هزینه های قانونی در رهن بانک صادرات گرمه قرار گرفته و طبق نظر کارشناس رسمی به مبلغ شش میلیارد و سیصد و نود و سه میلیون و پانصد هزار ریال (۶/۳۹۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال) ارزیابی شده و مشخصات اجمالی پلاک فوق بدین شرح می باشد. ۱- عرصه زمین محل احداث پمپ بنزین با کاربری خدماتی به مساحت ۲۵۰۵ مترمربع ۲- عرصه زمین بایر پشت پمپ بنزین به مساحت ۶۱۸۹ مترمربع ۳- ساختمان اداره به مساحت ۱۵۳ مترمربع ۴- ساختمان انباری ۱ به مساحت ۱۲ مترمربع ۵- ساختمان انباری ۲ به مساحت ۴۲ مترمربع ۶- زیرزمین (محل مخازن) به مساحت ۸۱/۵۰ مترمربع ۷- احداث جایگاه سوختگیری به مساحت ۲۷۰ مترمربع ۸- محوطه سازی به مساحت ۲۵۰۵ مترمربع ۹- دیوار محوطه به طول ۲۷۴ مترمربع و دارای امتیاز آب، برق، گاز، تأسیسات برقی، دوربین مداربسته، مخازل گازوئیل، نازلها و پمپ های گازوئیل و بنزین و تأسیسات مخازن. پلاک فوق به انضمام مستحدثات از ساعت ۹ الی ۱۲ روز سه شنبه مورخ ۹۵/۰۴/۰۸ در اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم واقع در جاجرم - خیابان شهید باهنر - نبش باهنر ۱۰ از طریق مزایده به فروش می رسد. مزایده از مبلغ شش میلیارد و سیصد و نود و سه میلیون و پانصد هزار ریال (۶/۳۹۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال) شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی نقداً فروخته می شود. لازم به ذکر است پرداخت بدهی های مربوط به آب، برق و گاز اعم از حق انشعاب و یا حق اشتراک و مصرف در صورتی که مورد مزایده دارای آنها باشد و نیز بدهی های مالیاتی و عوارض شهرداری و غیره تا تاریخ مزایده اعم از این که رقم قطعی آن معلوم شده یا نشده باشد به عهده برنده مزایده است و نیز در صورت وجود مازاد، وجوه پرداختی بابت هزینه های فوق از محل مازاد به برنده مزایده مسترد خواهد شد و نیم عشر و حق مزایده نقداً وصول می گردد. ضمناً چنانچه روز مزایده تعطیل رسمی گردد، مزایده روز اداری بعد از تعطیلی در همان ساعت و مکان مقرر برگزار خواهد شد. **(تاریخ انتشار: ۹۵/۰۳/۱۷)**

مسئول واحد اجرای اسناد رسمی جاجرم - اردلان محمدی کوشکی

۹۵۰۷۷۹۴۷/و

آگهی مزایده (نوبت اول)

در مورد پرونده اجرائی کلاسه ۹۳۰۴۷۱ ش ۱ اجرای احکام مدنی بجنورد و به موجب اجرائیه شماره ۹۳۱۰۴۲۵۸۴۰۳۰۰۱۷ صادره از ش ۳ حقوقی بجنورد مورخه ۱۳۹۳/۰۵/۱۴، فی مابین محکوم له شهربانو مطرانلویی فرزند محمد و محکوم علیه: علی نقویان فرزند حسینقلی با موضوع مطالبه مهریه که محکوم علیه محکوم به پرداخت ۳۵۰ عدد سکه تمام بهار آزادی در حق محکوم له می باشد، با عنایت به انجام کارشناسی ملک توقیفی به مشخصات ذیل الذکر: - مشخصات ملک توقیفی به پلاک ۶۹۱۰ فرعی از ۸۹۲ اصلی بخش دو بجنورد به آدرس بجنورد خیابان چمران کوچه شترخانه یا چمران ۴۱ کوچه شهید محسن صدقی ۴ پلاک ۳۴ شهرداری ملک مذکور به صورت ششدانگ عرصه واعیان یک باب منزل مسکونی ۳ طبقه دو طبقه بالای پیلوت و به شماره ثبتی فوق و به مساحت عرصه قبل از عقب نشینی ۱۷۴/۷ مترمربع که پس از بررسی در محل دارای ۵/۶۰ متر عقب نشینی از ضلع شرقی حاشیه کوچه شهید صدقی ۴ و به مساحت کل ۳۷/۵ مترمربع می باشد و باقی مانده زمین مذکور ۱۳۷/۲ می باشد ارزیابی بر مبنای قبل از عقب نشینی و براساس سند رسمی صورت گرفته است و در صورت قبولی عقب نشینی مبلغ کل برآوردی برابر با ۲/۶۸۸/۳۰۰/۰۰۰ ریال ششدانگ و ارزش ۳ دانگ برابر با ۱/۳۴۴/۱۵۰/۰۰۰ می باشد. ملک مذکور دارای ۳ طبقه و شامل پیلوت و اول و دوم که پیلوت آن نیز به صورت مسکونی مورد استفاده می باشد و دارای قدمت تقریبی ۱۰ سال ساخت و امتیازات کامل که هر کدام سه انشعاب می باشد و تاکنون مالک آن اقدامی در خصوص تفکیک آپارتمانی نکرده است و مساحت اعیانی هر طبقه براساس متراژ در محل انجام گردیده است و با عنایت به مراتب فوق ارزیابی توسط کارشناس محترم رسمی دادگستری کل ششدانگ ملک مذکور به مبلغ ۳/۲۱۲/۵۰۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است که سهم محکوم علیه سه دانگ از ملک فوق که مبلغ ۱/۶۰۶/۲۵۰/۰۰۰ ریال ارزیابی گردیده است و این که پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردیده سه دانگ ملک مذکور در روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۳۱ ساعت ۹ الی ۹:۳۰ و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش برسد، بنابراین متقاضیان شرکت در جلسه مزایده می توانند پنج روز قبل از موعد مقرر در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید نمایند. بدیهی است مزایده از قیمت ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ پیشنهادی فی المجلس از برنده مزایده اخذ و مابقی مبلغ نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر، مبلغ تودیعی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد.

دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد - احمد کریمی

۹۵۰۷۷۹۲۱/و

آگهی مزایده (نوبت دوم)

در مورد پرونده اجرائی کلاسه ۹۴۴۳۷۲ و به موجب دادنامه شماره ۲۶۴۰ هیأت حل اختلاف اداره تعاون ،کار و رفاه اجتماعی شهرستان بجنورد و اجرائیه شماره ۹۴۱۰۴۲۵۸۴۰۶۰۰۳۶۳ صادره از شعبه ششم دادگاه عمومی حقوقی دادگستری بجنورد، موضوع محکوم له نصراله بهمن فرزند چاریار و محکوم علیه شرکت پارس سرزمین ماهان مبنی بر پرداخت مبلغ ۸۰/۱۵۵/۱۴۸ ریال بابت اصل خواسته در حق محکوم له نصراله بهمن و پرداخت مبلغ ۴/۰۰۷/۷۵۷ ریال نیم عشر دولتی در حق صندوق دولت، با عنایت به توقیف خودرو وانت زامیاد ۲۴۰۰ مدل ۱۳۹۰ به رنگ آبی به شماره انتظامی ایران ۲۹۸و۲۲ با توجه به نوع کاربری و سایر عوامل موثر که توسط کارشناس منتخب دادگستری بازدید و با عنایت به عرف قیمت خودرو به میزان ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال معادل بیست و یک میلیون تومان ارزیابی گردیده است و این که پس از سیر مراحل قانونی مقرر گردیده خودرو فوق در ساعت ۱۲ الی ۱۲:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۵/۰۳/۳۱ و از طریق مزایده حضوری در محل اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد به فروش برسد، بنابراین متقاضیان شرکت در جلسه مزایده می توانند پنج روز قبل از موعد مقرر در این اجرا حاضر و از کم و کیف موضوع مطلع و در صورت تمایل از مورد مزایده بازدید نمایند. بدیهی است مزایده از قیمت ارزیابی شروع و به بالاترین قیمت پیشنهادی واگذار خواهد شد و ده درصد مبلغ پیشنهادی فی المجلس از برنده مزایده اخذ و مابقی مبلغ نیز ظرف یک ماه وصول خواهد شد و در صورت عدم پرداخت الباقی (نود درصد) در مهلت مقرر، مبلغ تودیعی پس از کسر هزینه مزایده به نفع دولت ضبط و مزایده تجدید می گردد. **مشخصات خودرو مطابق با نظر کارشناس محترم دادگستری به این شرح می باشد:**

۱- نوع: باری ۲- سیستم: وانت زامیاد ۲۴۰۰- مدل ۱۳۹۰ * ۴- رنگ: آبی ۵- شماره موتور: ۶۱۰۰۷۶

دادورز شعبه اول اجرای احکام مدنی دادگستری بجنورد- علی دولت

۹۵۰۷۸۲۴۷/و